

و آیت اسم اعظم بین امم عالم گردید انهمی و چون بعضی از اجبای انگیز مسافر بودند نسبت با حجاب  
 لندن خیلی اظهار عنایت فرمودند  
 روزه رجب (۹ جون) صبح باز ذکر

شدند آیام ایران و حبس و بلاهای جمال رحمن بحبت خدام آستان میفرمودند با آه و افسوسی که دل  
 سنگ میگذاخت و هر سامعی را باناله و غم بدم میساخت دیده ملازمان حضور گریان شد و دلها  
 از شنیدن مصائب جمال سبحان نالان اما تسلی دل و جان بشاهده روی تابان بود و نصرت ملکوت  
 پیمان و تأییدات موعوده وفق فضل و احسان و چون از اجبا و مبتدیان با جمعی حاضر و مشرف گشتند  
 نطق مبارک در تأیید و تشویق اجبا بر اعلا کلمه الله بود که چون توجه بملکوت الهی نمایند و بر حده  
 امر الله بر خیزید هر روز تأییدی جدید یابید و بفتوحات مدن قلوب موفق شوید اجبا و اما  
 ایران چون متوجه بملکوت الهی بودند مانند جبل راسخ در امر الله ثابت مانند حال آثار الهیه گردیدند  
 و همچنین در امر یکا نفوسی در نهایت ثبوت مبعوث شدند امید دارم شما نیز در امر الله ثابت و مستقیم  
 مانند و سبب شرفها تا شده گردید الی آخر بیان الاعلی بعد از مجلس بعضی از ملازمان حضور را بدیدن  
 چند نفر از بزرگان شرق فرستادند و عصر خدام آستان را بمجلس کجائیان در منزل مسیو و مادام  
 هکات روانه نمودند و خود وجود اقدس بمنزل میر پاشا تشریف بردند و در اینجا بیانات مبارک  
 در ترقیات این عصر و نجه و صنایع و قوانین و علوم بود و لزوم تجدید آئین غلام محبوب آمانش  
 تا دیر وقت در جواب سوالات مسیو و مادام ریشارد بشرح مسائل و مقاصد متصنوفین مشغول بود  
 و حضرات از استماع بیانات و کلمات مبارکه بی نهایت خورسند و خوشنود.

روزه رجب (۱۰ جون) صبح ام قدارک مسافرت از پاریس و غیرت

بشرق می فرمودند که دوروز بعد حرکت فرمایند لهذا نطق و بیان مبارک همه اجزا و بندها در خصوص  
استقامت و ثبوت بر امر الله و قیام بر بشر نفعات الله و خدمت بملکوت الله بود که این تأیید با قطع  
و تعدیس از شئون نفس و هوای حاصل شود و از جمله بیاناتی که یکی از مومنان را مفتون نموده و شیفته  
عبارات مختصر و مفید مبارک کرده این بود که می فرمودند «پایس نمونه عالم طبیعت است بحج معانی  
از جمله «اهل ملکوت ابھی جان دہند نہ جان ساندہ مگر اینگونه جمله های مختصر مفید را چون از زبان  
مبارک می شنیدند می گفتند هر کس قادر بر این نحو تکلم نیست و آنگهی با این عظمت و تأثیر که قلوب را منبسط  
نماید و سبب ترقی مشاعر و مدارک نفوس گردد و عصر جمعی از مسافرن کلیمی ایرانی مشرف شدند اول  
استدعای عنایت و تأیید بحجت تفتظین راه طهران و قزوین و ثانی تو صیہ در امور ہر اہلیان  
انجا با جہای کلیمی طهران و ہمدان نمودند مسلت اول با جابت مقرون و ثانی را راجع بخصل جتا کردند  
و در خصوص بیانی فرمودند شب بعضی از جتا شرف تقاضا شرف و بیانات مبارکہ در خصوص  
تبلیغ امر الله و الفت و محبت با عموم اہل عالم بود منجملہ «قیام بر تبلیغ امر الله و خدمت کلمۃ الله  
در ہر عصری سبب حیات سرمدیہ نفوس بودہ با نخدمت اشخاص ذیل مانند شمعون و بطرس اوج غوث  
ایدیہ یافتند بانکہ اول امر احدی بانہا اعتنائی کرد و فی آخر ملوک و سلاطین نزد ذکرشان  
خاضع گردیدند پس امروز امریکہ جاذب تأییدات الہیہ است تبلیغ و اعلام کلمۃ الله است ما ہمہ  
باید بشر نفعات الله مشغول شویم جمیع احزاب امم عالم را با کمال محبت و یگانگی معاشرت کنیم زیرا جمال  
مبارک می فرماید ای اہل بھاشا مشارق محبت و مطالع شفقت و عنایت الطھی بودہ و ہنیدسان ا  
سبب و من احدی میا لانید و چشم را از آنچه لایق نیست حفظ نمائید با جمیع اہل عالم بروج و مکان معاشرت

کنید اگر گم و یا جوهری است نزد شما که دون شما از ان محروم بجا شفقت و محبت القا کنید و  
 بنامید اگر مقبول شد مقصد حاصل و الا تعرض بطل ذروه بنفسه مقبلین الی الله المبین القیوم عزیز  
 مشوید تا چه بنزاع و جدال نهی روز عریب (۱۱ جون) صبح اول کسی که

ساعت اقدس اعلیٰ مشرف شد خانم محترمه رئیسہ انجمن تیا سفیها بود و بعد معینی از یار و اغیار از  
 بیان دلبر ابرار و انفت بر سر آئین کرد کار گشته نهایت سرور و افتخار را اظهار می نمودند  
 ابتدا در جواب خانم مشارالیه با نطقی در وحدت و تقدیس ذات باری و کیفیت مطالع هما و  
 صفات او تعالی شانه فرمودند از نگاه بیان و شرح علائم و بشارات ظهور موعود پرداختند  
 تا آنکه چند نفر کلیمی ایرانی مشرف شدند با آنکه وجود مبارک در شرف حرکت بودند باز با عدم  
 مجال و قلت فرصت برای خاطر آنها قدری جاس شدند و در جواب یکی از آنها شرحی در تفسیر خواب  
 و بیان حال او فرمودند که اظهار قناعت و سرت نمود فرمودند امروز روز آخر است و من در  
 شرف حرکت و تدارک سفر باید بیدار نفوس محترمه هم بر دم لهندیش از این مجال جواب سوال نه  
 اگر میل دارید شب بیاید بعد از آن بیرون تشریف بزدند عصران روز .....  
 با بعضی از محترمین ایران از شرف حضور بحال و جبه و سرور یافتند و تا مغرب نفوس حلیه فی که غالب  
 ایرانی بودند از نیوضات محفل تقابره و نصیب سوخوردند و بیشتر فرمایشات مبارک در خصوص  
 نضاح و مواعظ مفصله فی بود که ابتدا بلکه قبل از انقلاب بدولت دلت ایران ابلاغ فرمود بودند  
 از انجمله این بیان حلی بود که با دولت دلت مانند شبه و شر آینه نگردند نجاج و فلاح متنع و  
 و محال است ایران ویران شود و عاقبت امر منتهی بدخله دول متجاوزه گردد پس ای جبا ای آبی سی

نایب بلکه سبب الفت و انتیام گردید اگر عاجز ماند بد بگلی کناره جوئید ز نهار ز نهار از پنجه دغل  
 در خون یک نفر ایرانی شوید هر چند سازین گوش ندادند ولی آنکند شه بهائیان بو طائف خود عمل  
 نمودند و ابد او رفساد و غل نشند و در امور سیاسی مداخله نکردند سوال نمودند که اگر بعضی  
 از بهائیان در او راه های دولتی مستخدم باشند باید چه کنند فرمودند وظیفه دیانت دیگر است  
 و وظیفه ماموریت و عضویت دیگر است باید وزیر یا سر باز با آراء وظیفه خود پردازند و کمال  
 صداقت و اطاعت نسبت بدولت داشته باشند و اهل بهائیا مور باطاعت دولت خود در هر  
 مملکتی هستند اگر اهل ایران شنیده بودند و قدر این تعالیم الهیه را میدانستند از جمیع مصیبتها آزاد  
 میشدند از جمله خطابات حضرت بقیه الله در انواع عدیده این بود که از برای ایران قانون و  
 اصولی لازم است بهترین است که این امر مشورت و اطلاع علمای ملت و اعیان دولت واقع  
 شود و انتهی پس برای جمعی از اجابای پاریس از تأثیرات بعضی از اسرار مادی مانند الوان مرتب  
 و صفای نظافت و کمال لطافت و نغمه و صوت عادی بیان می فرمودند که هر چند این شئون  
 جهانی است اما فی الحقیقه تأثیر در روح مینماید و آخر سان ببارک بودع با اجناس ناطق و مشغول  
 میفرمودند من چندی در میان شما بودم نهایت محبت را بشما داشتم و دارم همیشه قلبم در  
 محبت شما جوش میزد شمع محبت الله را در شبستان قلب شما روشن نمودم و صایای الهیه را  
 برای شما شرح دادم امیدم چنان است که بگوئید تا روز بروز نور آیت الهیه شما را روشن تر  
 نماید انوار ملکوت ابھی با هرگز گردد در هدایت خلق ابد آرام نگیرید این مرد را از زنده نماند  
 بیخبران را آگاه کنید بنحمدان و انسر دگان را بنام محبت الله مشتعل سازید منتظر آنم که همیشه خبرهای

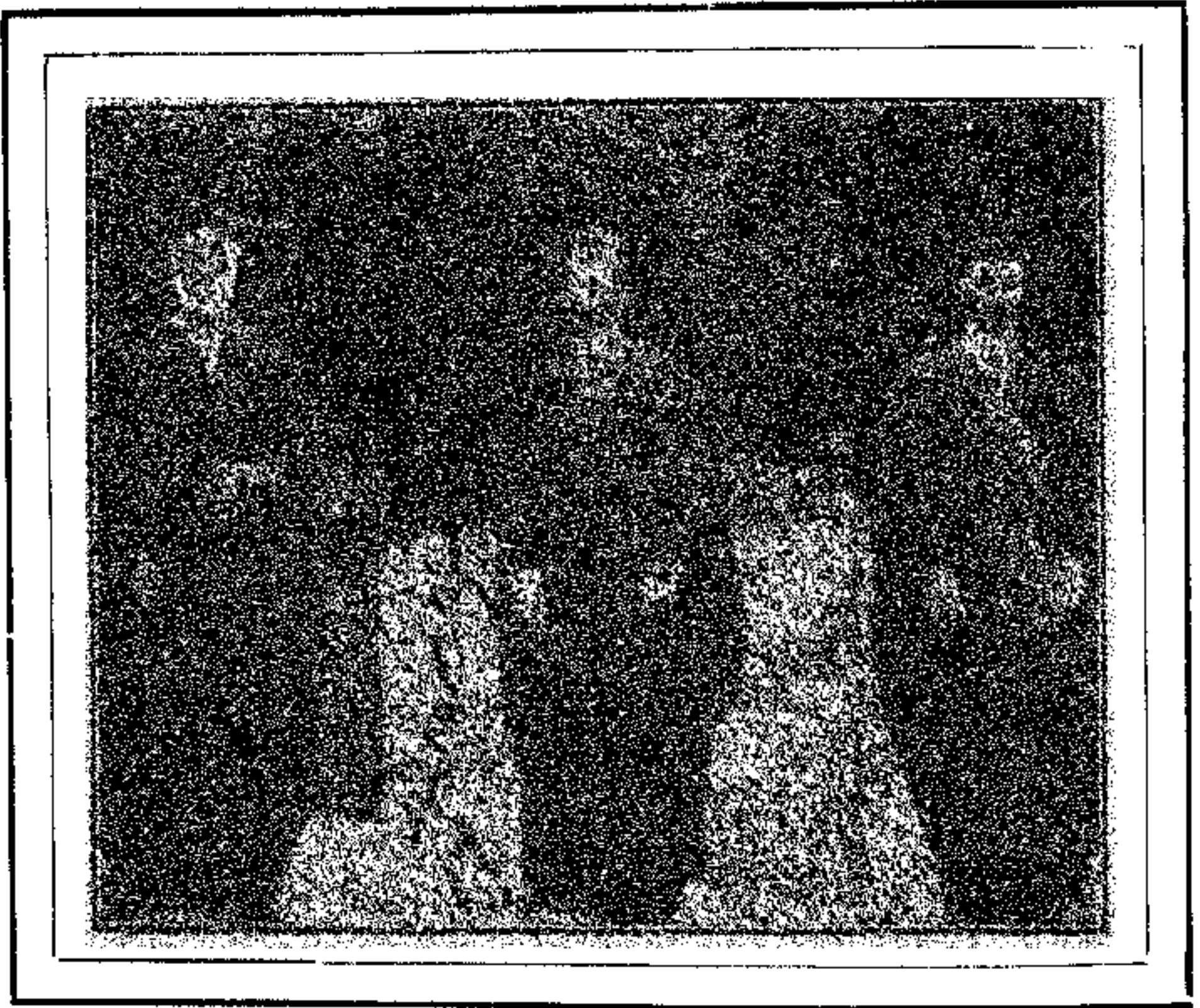
خوش از شما بشنوم" از این بیانات مبارکه قلبهای دوستان بجهایت رقت آمد عظیم برسد  
امراشته نمودند و در جای تأیید در عبودیت استخوان احدیت کردند

روز ۷ رجب (۱۲ جون) صبح زود پس از اوراد و اذکار پروردگار

بجمع اسباب حرکت فرمودند ساعت هشت صبح از هتل باینگا و راه آهن نشریف فرما شدند  
و اجابا جمیعاً قبل از وقت در اینجا حاضر و قدم مبارک منتظر بودند و چون در واگون نشریف  
بروند همه مقابل اوطاق مبارک ایستاده در کمال حسرت و آه متوجه طلعت چون ماه و بانهایت  
احزان ناظر جمال پاین بودند بعد یک یک نزدیک رفته اظهار حزن و کدورت و همدغای  
عون و عنایت میکردند و لسان مطهر بهر یک نوید تأیید میداد و قلوب مشتاق را بانشار تعالیم  
نیر آفاق دلالت و تشویق میفرمود که خواش مبارک نباشد نفوس اکرم نمائید همیشه متحد و مجتمع باشید  
در مجالس بذكر الهی مشغول شوید و در انشار آثار الهیه بکوشید من همیشه بیا دشما هستم و از برای شما  
تأییدات غیبیه میطلبم، خلاصه ساعت نه و مرکب مبارک بهت برسلیا حرکت نمود در راه سبزی  
صحرا و اشجار و صفای تلال و انهار بسیار با جلوه و شکوه بود و از دو طرف خط آهن کوه و دمن  
غرق گل و چون از نظر انور میگذشت می فرمودند ببردن پارس خلی با صفات پس از ذکر  
بعضی از یاران یوفانا مار را در واگون تناول فرموده قدری استراحت نمودند عصر بعد از صرف  
چای مشغول خواندن عرائض اجابا بودند که چند نفر فرساده و بیاجازه خواسته نشرف حاصل نمودند  
و از استماع کلمات مبارکه در مسائل الهیه و لزوم دیانت و وحدت عالم انسانی و صلح عمومی پشیم  
و نشاط بودند و در نهایت خضوع و بیساط تا ساعت ۱۲ نصف شب مرکب مبارک برسلیا وارد

و در هو تن متسلستگاه و خط آهن نزول اجلال فرمودند -

روز ۸ رجب (۱۳ جون) صبح قدری کسالت بوجود اقدس عارض لکن پس از ورود کشتی  
 هر دقیقه وساعتی حال مبارک بهتر و سرور قلب اطهر بیشتر بود ساعت ۹ صبح تشریف فرمای جهانمایا  
 از کمپانی پایون شده چند اوطاق در درجه اول بنظر مبارک رسید تا یکی از آنها را که بالا و اوطاق  
 یک نفری بود و اطرافش بازغره (۲۵۰) اختیار فرمودند بعد در درجه ثانی تشریف فرما شده  
 محل ملزمن رکاب مبارک را ملاحظه فرمودند در سفر از پاریس پو تسعید ملازمان حضور مبارک  
 چهار نفر بودند جناب میرزا علی اکبر نخجوانی جناب میرزا احمد سهراب جناب تیداسد الله و نعبه فانی  
 و چون بسکلی اقدس روی نمکت جلوس فرمودند و در سفر از سیاهان فرانسه مشرف شده عرض نمودند  
 پس از حرکت مبارک احباب ما را فرستادند که پیام عبودیتشان بعرض اقدس رسانیم و از قبل جناب  
 علی مخصوص مسیو مادام ریشارد دستدعای عون و عنایت کنیم پس سان عنایت نسبت بایشان  
 و دوستان پاریس باظهار کرمت و بیان ثبوت و استقامت بر امر الله ناطق تا نزدیک بحرکت  
 کشتی مختص و پیاده شدند و چون مرکب مبارک حرکت نمود عریضه تی تلگرافی در احوال پرسشی  
 و داع از قبل مسیو مادام در نفوس بارنی بنظر اطهر رسید در باره ایشان و سایر دوستان پاریس  
 دعا فرمودند و اظهار سرت از خدایشان نمودند بعد از آن ملزمن رکاب خدم حضور مبارک  
 را امر بنشر نجات شد بن رکاب و مسافرن کشتی فرمودند که باید مشغول کار باشیم اول خود وجود  
 مبارک شخصی بند وستانی که در درجه اول در جوار عنایت منزل داشت طرح صحبت و الفت نمودند  
 از او و وطن و حوال پرسید کردند و چون ذکر فرق و احزاب مختلفه نمودند بحضور مبارک عرض نمود



Secretaries and Interpreters of  
Abdul Baha in Europe





لذا شرحی در لزوم قوه نافذه و امر جامع غالبی که جمیع مل و امم عالم را در ظل کلمه واحد کساند از  
 قلم مطهر صادر که امروز جمیع عالم علی مخصوص امم شرق بچنین قوه نافذه ای محتاجند تا از مضامین مختلف  
 و جدال و حربه قتال آسوده و آزاد گردند و بیان مبارک منتهی باین شد که جز قوه الهیه و تعالیم  
 روحانیه قوا و ساثره از عهده این ام خطیر بر نیاید و همیشه اشراق تعالیم روحانیه از افق شرق شده  
 و مرکز قوه معنویه و دیانت الهیه مشرق زمین بوده و شمس حقیقت از شرق بر غروب پر نور انداخته از این  
 فرمایشات مبارک شخص مذکور بوجد و جوهر آمد و هر روز در کشتی از شرف حضور سرور و موافق حاصل نمود  
 بعد از نامار و قلیل استراحتی وقتی که مشی می فرسودند کارکنان جهاز را ملاحظه نمودند و میفرمودند  
 چه قدر فقیرند و چگونه رحمت نیکند رؤسای اداره ما و کارخانه جات باید بجهت مزدوران  
 در کمپانیها سهمی معین نمایند تا قدری این فقر راحت شوند و بدل و جان خدمت کنند و عصباب  
 نمایند و بعد شخصی هندوستانی مشرف شد از طلوع شمس حقیقت از افق شرق و تعالیم بر یوه مشرف و تا  
 بجهت ادحکایت فرمودند و بی نهایت اظهار سرت و عبودیت نمود شب بعد از صرف شام غده ام  
 آستان حسابا اجازه روی نمیکتهای بیرون اوطاق مبارک جالس و بشرف حضور مشرف و از صفای  
 دریا و درخت لیم و لطافت هوا و روشنی هتای صدای آب جوش و فروش کشتی تعریف میفرمودند  
 که خوب شبی است مبدل مبارک در نهایت سرور و جوهر بود و شاقان طلعت نور هدم شکر ثنای  
 رب غفور

روز ۹ رجب (۴ جون) صبح در سطح درجه اول مقابل

اوطاق مبارک بندگان آستان بلقایی ان منابان مشرف از ید احسان چای بنوشیدند  
 و اخبار تلگرافات بی سیم در باره عثمانی و محضر مبارک خوانده میشد تا آنکه شخص هندوستانی

تشریف حاصل نمود فرمودند تا شرق از این تعقیبات فارغ نشود نجات حاصل نماید پس شرحی از  
 اتحاد عمل مختلفه در عمل کلمه وحده بقوه حضرت محمد صلی الله علیه و آله سرسبز ناما را تشریف بردند عصر  
 بعد از صرف چای در درجه دهم تشریف برده بالای سطره روی نمیکت جاس شدند چند نفر  
 هندوستانی که خیلی شاق زیارت انوجه سجانی بودند مشرف شدند و از اصغار انداد علی و کلمات  
 علیا در وحدت اصول ادیان و اختلافات و مضرات تقلید و تعصب نهایت انبیا و تذکر  
 یافتند و چون بکمال اقدس برخاستند در درجه ثانی گردش فرمودند و بعضی از نفوس که با آنها از  
 امر الله صحبت شده بود زیارت جمال انور بسرور و مفتخر گردیدند یکی از آنها شخصی اسرائیلی بود  
 ساکن قدس شریف که بعد از آن اجازه خواسته در اوطاق مبارک مشرف شد و از بشارت  
 انبیا و اجتماع بنی اسرائیل در ارضی مقدسه و عزت و نجات دانشمندان که اسم شان در کتاب  
 حیات مذکور است بیانات مفصله فی از لسان مبارک شنید که بشوق و ذوق آمد عرض نمود  
 که مدتها بود من صبت جلال و کمال وجود مبارک را شنیده و در آرزوی تشریف بحضور انور بودم  
 حال شکر میکنم خدا را که بچنین موهبتی فائز و مفتخر گشتم شب شام را در سالون غذا تناول فرمودند پس از  
 شام چند دقیقه فی در جلو اوطاق مبارک روی نمیکت چای دند فرمودند شب هم هوا خوب است  
 و دریا آرام چه قدر با صفاست این موهبای آب در روستائی بهاب چه جلوه فی دارد.

روز ۱۰ رجب (۱۵ جون) صبح هنگامیکه چای میل میفرمودند در سر طوم میفرمودند

قونسول انگلیز و دخترش بشریف حضور مبارک مشرف گردیدند چون حساباً اجازه مجله شرقی که  
 عکس و خطابه مبارک در مسجد مسلمانان لندن در آن مندرج و مطبوع تقدیم حضور نمود شرحی از تاریخ

و تعالیم امر مبارک و بیاناتی در جواب سؤالاتش فرمودند که زبان باوصاف امر برین گشود و  
 بتمجید بر خاست عصر بعضی از سباینها اجازه خواسته بساحت اظهر مشرف گشته نطق و بیانی  
 مبارک خطاب ایشان در کمال و بقا و عوالم روحانی و نقص و فساد عالم طبیعت بود و در آخر شرحی در  
 بشارت ظهور عظیم و بیان تعالیم مقدسه فرمودند که چنین تعالیم مایحتاج عالم انسانی در این عصر نور نیست  
 زیرا این عصر تقالید نیست عصر انوار است و قرن ظهور هزار زمان وحدت عالم انسانیست ایام  
 ترویج صلح عمومی از این قبیل بیانات مبارکه مفصل بود و خلوص و انجذاب و سرور و بیساط حضار در آن  
 بساط محفل شب شخص نگین دیگر باخانم فرناوی بحضور مبارک آمدند چون ذکر فوت فرزند عزیزشان  
 را عرض مبارک رسانیدند لهذا اسان اظهر و رفقای ششون مادی و بقای فضائل روحانی تشویق  
 بر کتاب کلمات رحمانی بخوی ناطق که عزیشان بسرو و مبدل گردید هموم غمومشان زایل و دلچ  
 اند و ایشان را تسلی کامل حاصل گشت و چند نفر دیگر از رکاب بعد از آنها مخمور با ده معانی و بیان طلعت  
 مجبوب بودند تا زنگ اول شام زدند و با آبنگ شکر و شام خض شدند پس از آنکه تناول طعام  
 فرمودند در مقابل ایستادند و خدام حضور از انجذاب و سرور بعضی از رکاب کشتی  
 بعرض اقدس میرسانیدند که خیلی از شرف بلقهای اظهر مشعوف و مفتخرند فرمودند باید کار کرد  
 در ارضی قلوب تخم افشانی نمود بلکه سببالات محبت و عرفان برودید و از بار الفت و یگانگی جهان  
 جانهارا نمونه جنت و رضوان کند اینست که من با حال مستکی که بیج غمیه صحبت فرارم باز با نهایت  
 سرور گفتگو مینمایم و در نشانه نفعات الهی می گویم  
 در روز اربع (عرا چون)  
 صبحگاه چون زیارت تعالی چون ماه شرف حاصل شد بیکل انور قدری ضعف و خستگی داشتند

ولی قلب طهر در کمال سرور و بخت بود و لسان مبارک باین بیانات ناطق که در عظم و قدم  
 امور تبلیغ امر الله است این کار مؤید است از جمیع نفوس بیشتر من مستحق رحمت گذشته از ضعف  
 غیبه و این درجه از سن باید در مرکز باشم تا از جمیع اطراف خبر چگونگی احوال برسد من بانجام بود  
 پردازم با وجود این برای امر تبلیغ و اعلاء کلمه الله آنی راحت ندارم بلکه خدمتی بهستان الهی  
 نمایم و این سر مشق جابجا باشد از این قبیل بیانات مکرر و مؤکد میفرمودند در آنوقت اینجید  
 را بخاطر آمد که اواخر ایام اقامت مبارک در پاریس روزی دو نفر از خدمت حضور با یکدیگر  
 گفتگو می نمودند که بعضی از وجوه اجتناب نوشته شود که در بلاد ایران با کمال تقدیس و تقطاع  
 تقویت حال نفوس مهمه در حصول مسائل الهیه پردازند تا بانچه که سبب عزت دارین است بر خورد  
 و تبریح سعادت ابدیه پردازند در بین این گفتگو بهکل اکر م تشریف آورده فرمودند چه میگویند  
 عرض شد چنین مذاکره لی در میان بود اگر اراده مبارک تعاقب گیرد از قسم مبارک در خصوص  
 امری صادر گردد تا اجناد و فسر تقویت اشخاص مهمه باشند و در صد دعایت نبیه امر الله بر تپید  
 فرمودند سفارش من لازم نیست اجبا باید خود قیام بر تثبیت قدام و اعلاء اعلام هدایت کنند  
 شب و روز آرام گیرند دائماً با کمال خلوص و تقطاع در فکر تبلیغ امر الله باشند در اینصورت  
 یقین است که بانچه سزاوار است مؤید گردند و الله الذی لا اله الا هو که اگر نفسی چنانچه باید قیام  
 کند ابواب آسمان بر او گشوده شود جنود ملائ علی حمایت او نماید عزت قدیمه یابد و حیات  
 ابدیه جوید از همتی عصر آن روز دست بند دستانی چون مشرف شد و با استفاضه از فیض حضور  
 بی نهایت منجبه گشت بعضی از عکسها مجامع دوستان آلمان با و آله نموده فرمودند مهید و ایم

در آنکه اباد مهند شما اینگونه مجامع را تأسیس نمایند و بتأییدات الهیه مؤید شوید نظر خود ننمایید  
 بلکه ناظر بقوت ملکوت الهی باشید که قطره را دریا نماید و پسته را غنقا کند گمنامی را مشارالین  
 سازد و مشهور عصا و قرون گرداند فقیری را سلطنت سردیه بخشد مرده فی حیات ابدیه دهد  
 اینها از تأییدات ملکوت الهی حاصل شود، بعد شخص کلیمی بحضور اظهر آمد از فلسفه الهی و ترقیات عالم  
 وجود و بشارات نبی و تعالیم مسلم علی برای او مفصل بیان فرمودند ابوشیخ از پیشین با طهارت خلوص  
 و خضوع در محضر انور موقی تا آنکه خانم فرانسوی تشریف حاصل نمود و بنصایح مشفقانه او را بتحصیل فضائل  
 روحانیه و کمالات عالم انسانی تشویق و ترغیب میفرمودند آن شب هم شب مبارکی بود هر چند باد  
 تند میوزید ولی دریا آرام بود و هوا صاف و آب دریا در روشنائی ماه مانند آئینه براق  
 و شفاف غرورش آواز و طرف کشتی مثل شوش و ناله دو کله جاری گوش میرسد کشتی چون سیرت  
 میناید و از حمل تر عظم میباید و دلهای مشتاق از این سرود رحمانی همی طپید که این ترقویت این  
 این غصن قدیم است این - این رمز عظیم است این از رحمت رحمانی و بعد زمزمه ملزمین رکاب مبارک  
 این بود که این شب بزرگ از روز فیروز آخر شب سفر طلعت جهان افروز است دلیل آخر مسافرت با  
 دلربا در بر و بجزار و پا فرد است که افق شرق بانوار جمال مبین متور میگردد و مشرق زمین نزول  
 قدم بارنا زمین غبطه فردوسین برین در آن میان صوت شیرین و نشین گوش رسید که حال منشی  
 و خرام می فرمودند « فردا شب در پور سعید خواهیم بود و تیسکه من با مریکا میرنم امید انیکه سلامت  
 مرحبت ینمایم بدشتم زیر خیلی مبار بودم و بیسیابی بنیه چند مرتبه هم در سفر کسالت بصوف شد نبود  
 در هر مرتبه بخون و عنایت جمال مبارک و مسرت و مشغولیت در خدمت استخوان احدیت کسالت

بصحت و ضعف بقوت تبدیل شد عون و صون او در هر حال میرسد نصرت و حمایت ملکوت الهی  
 همیشه بهم بود تا حال که بانهایت مسرت مراجعت پورسعید مینمایم ۱۱

روز ۱۲ رجب (۷ جون) صبح زود قبل از اینکه جای میل بفرمایند بیرون اطاق

مبارک مشی میفرمودند و از روی زیبا آثار شاشت و بشارت کبری هویدا بعد از صرف چای  
 بعضی از رجال نسا هندوستانی وارد پائی بجبت و داع و هستند غای تأمید و توفیق بخصو  
 انور شرف بسیار اظهار اخلاص و عبودیت نمودند و مورد عنایت گشتند و مکرر ایشان را بر ترویج

صلح و یگانگی عمومی و انتشار وحدت عالم انسانی ترغیب و تشویق میفرمودند پس از مخصی آنها سواد شکر  
 پورسعید از دور نمایان گردید و بکل اقدس یاد و برین عبور کشتیها و مدینه پورسعید ملاحظه میفرمودند

تا زنگ نامار زدند فرمودند من سر میز مینایم قدری نان و پنیر و میوه در اطاق مبارک  
 حاضر نموده بنوز تمام نامار تناول نفرموده بودند که مرکب مبارک بهکله وارد نور حضرت مستطاب

آقا میرزا محسن مهر مبارک و حضرت مستطاب احمد افندی یزدی و حضرت حاجی آقا محمد و حضرت آقا  
 محمد تقی صفهانی و جناب آقا میرزا امیر و آقا خسر و خود را در کشتی بر قدم انوار اظهار انداخته سجود در ساحت

فضل وجود و زیارت طلعت مشهور دل دیده را روشن و منور ساختند و تلافی ایام هجران اوقات  
 حرام نمودند در چند دقیقه سببا مبارک را حاضر کرده پس از انجام و اکرام بخدمت ملازمان کشتی

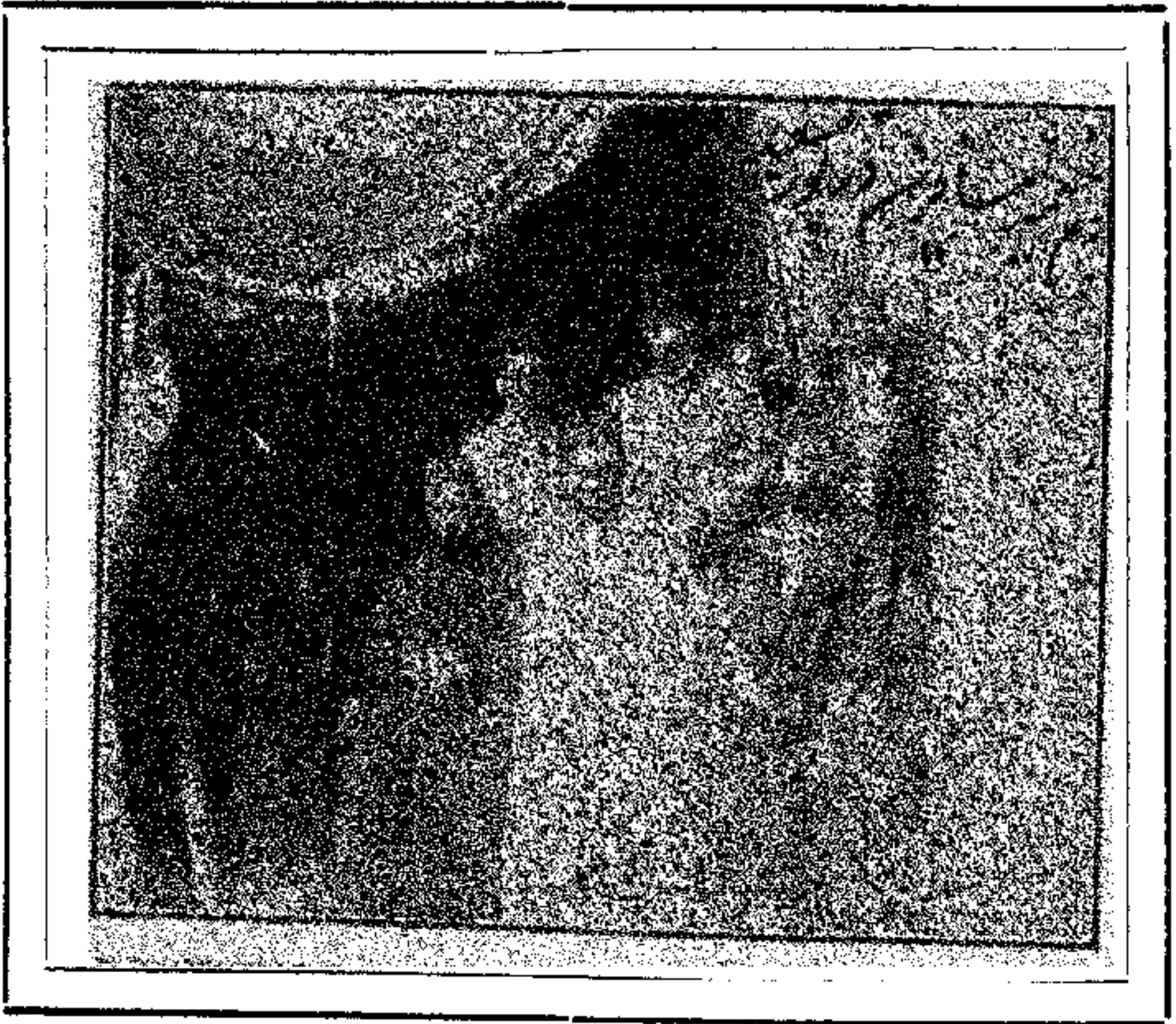
بواسطه پنج (دو بزرگ و چک آتشی) مخصوص از کشتی بر صیف نزول اجلال فرمودند جمعی از ارباب سبب  
 در ساحل از زیارت جمال شمایل بار زد و اما مال تیان و دل نائل و بخت لقا فائز و اصل بعد از اظهار شاکت

بهریک از دوستان در کالکه مخصوص جناب آقا احمد را احضار فرمود و یک شریف فرمای منزل ایشان

گردیدند چون در قه مبارکه طیبه حضرت طوبی خانم و حضرت آقا میرزا محسن افغان صهر مبارک  
 از ارض قدس بجهت استقبال و تبریک زول قدوم اظهر آمده در آن منزل مشرف بودند لهذا  
 خدام حضور و سایر مسافری را منزل در مهول سلطانی معین فرمودند و نظر باسند عای بعضی از  
 دوستان اراده مبارکه بر آن قرار گرفت که برای تقویت بنیه در رعایت صحت بکل انور چندی بتر  
 مصراقات و تا یکد رج بر رفع تعب و خشکی و زحمت سفر فرمایند تا چون بارض مقدسه مراجعت میفرمایند  
 از کثرت تشرف نفوس آمد و شد خارج و داخل و رسیدگی با سایر امور و مشاغل و صحت طلعت مجبوره  
 فتوی حاصل نیاید آن بود که بجهت گرفتن یک دو خانه با جاره امر مبارک صادر و تلکراف معضاً  
 مسافری ارض قدس نیز از مصدر امر نازل و در بزم لقاین بیانات مقدسه در خصوص مسافرت  
 مبارک از نسیم مطهر جاری گردید و در این سفر چون بلاس انجلز رسیدیم ۱۲ ساعت را با منی  
 (نصف کره ارض) را طی نمودیم اگر از راه چین و ژاپان و هندوستان مراجعت میگردیم یک  
 دوره که را گردیده بودیم باید در جمیع ممالک ندا داد الله را بلند نمود و لوعبسی از بلاد دیرتر  
 با تبر از حرکت آید ولی چون کلمه الله انتشار یابد در آنگونه بلاد نفوذش شدیدتر گردد امر الله  
 نافذ خواهد شد کلمه الله از نفوذ بازماند اذ اقلت علی القصره فصعدت والی الاموات قد  
 قامت والی بحبال قد نفطرت والی الاقتم قد سمع و اجم قد نطق کلمه الله جاری شده و میشود ولی  
 ما باید در فکر آن باشیم که از این فیض عظیم بهره و فیضی گیریم نور نیت و روحانیتی حاصل نماییم که در  
 جمیع عوالم طیبیه انوارش ساطع و آثارش باقی و با بر ماند و الا شبه نیت که کلمه مبارکه نافذ و ماند  
 حرارت آفتاب در جمیع اشیا موثر است نهایت نیت که تاثیرش در بعضی اشیا دیرتر و در بعضی

سرعتر ظاهر گردد الی آخر باینه الاصلی اما کیفیت اقامت مبارک در بزم مصر بعد مراجعت از سفر  
 امریکت وارد پ اگر مشروطاً تحریر شود سبب تطویل گردد لهذا در نهایت اختصار در حال تا ورود  
 جمال به شمال بارض اقدس مرقوم میشود که تقریباً نهمین ششماه مدینه پور سعید و اسکندریه و نواحی آن  
 بیشی و خوام سیکل اقدس پیمان فائز و مشرف بود و اوائل ورود مبارک چون جمعیت مسافریین  
 متجاوز از چهل نفر که در ارض مقصود مدتی منتظر ورود و زیارت طلعت مشهود بودند با جمعی از اجناس  
 مصر و اطراف اجازه حاصل نموده بشرف حضور انور مشرف گشتند و تلافی ایام هجر و فراق طلعت میثاق  
 نمودند شور و اشتعالی داشتند که غلغله در خلق و شهر در شهر انداختند چه که هر روز جمعی وارد میشد  
 هر یک با لباس و هیئت مخصوص بعضی از دوستان هندوستان بودند و جمعی از یاران تبریز و سیستان  
 و مغان و برخی از طهران و مازندران و نفوسی از اجبای عربی و دوستان آنسانان و صین  
 و رود با سایر محبتان و خدام آستان چون ملاقات مینمودند هدیگر را در آغوش میگرفتند و مصافحه  
 و مجاذبه میکردند بعضی از کثرت شوق خندان بودند و بعضی از شدت ذوق گریان و اهل کوه چه بازا  
 از شایده آن جلالت حیران که این چه حکایتی است و این چه کیفیت که این نفوس از ادطن دائم مختلفه  
 بایندرجه عاشق روی یکدیگرند و مفتون خلق و خوی هدیگر و جمعیت بدرجه فی رسید که همتل گنجایش  
 نداشت لهذا یکی از خیمه های بسیار باشکوهی که انالی بزم مصر مخصوص ایام جماع و محافل عمومی دارند  
 بالای بام وسیع و سطح آن عمارت برپا داشتند و علم شیر و خورشیدی بر فراز آن خیمه جلال برافزاشتند  
 تشریف خصوصی یار و غیار در منزل مبارک (خانه سرکار قونسل احمد افندی یزدی) بود که دسته  
 دسته نفوس غلبه و قنات بدر بار فضل و عطا بار میافتند اما محافل و ضیافتهای عمومی زیر آن خیمه





The Tent in Abdul Baha's Guest House, Portsaid



جلال با کمال اقتدار آراسته میشد و اکثر آیام و بعضی لیالی بنزول قدم طهر و ذکر و میان جان پرورد  
قلوب شتاقان در آن محافل پر روح و ریحان رشک روضه رضوان میگشت از جمله چون شب ۹ در زیر  
آن خیمه محفل منعقد عنوان نطق مبارک این بود (هشتم) خیلی امر عجیبی است که در پور تسعید چنین مجلس  
عظیمی عقد شده خوب است طوک سراز خاک بیرون آرند و ببینند چگونه آیات آیات حق بلند  
گشته و علم ظالمان سرنگون شده الی حسه باینه الا علی و مجلس دیگر عصر روز ۱۵ رجب (۲۰ جون)  
بود که در زیر آن خیمه جاس شدند و اجبارا هم یک یک با کمال شفقت و اظهار عنایت اذن  
جلوس فرمودند و لسان مبارک باین کلمات مبارکه ناطق (هشتم) بته خرق العوائد خرق  
عادات و رسومات براننده قدرت و اراده الهی است در این آیامیکه همه بیارسیس میروند  
ما از بیارسیس می آئیم این طور پیش آمد مثل قستی که در قصر صعود مبارک واقع شد جمیع امانی عکاشه  
شایدند که قبل از صعود در آیام مبارک ۳ مرتبه و باشد جمیع اطراف را احاطه کرد اما داخل عکاشه  
حتی در جاهای خوش هوا مثل جبل لبنان و تا دم در دوازده عکاشه و بارفت ولی داخل عکاشه است اما  
یوم صعود مبارک بنعت و وضع عکاشه هم خورد و و با داخل شد همه فرار کردند من در قصر بودم دیدم جمعی چنان  
در عکاشه در خطرند جائز نیست من بیرون باشم لهذا وقتیکه جمیع از عکاشه فرار میکردند ما از قصر داخل عکاشه شدیم  
بهمه خلق حیران شدند خانه های خود را خالی کرده بپا سپردند ما هم جمعی معین کرده برای گلبانی خانه ها  
گذاردیم بر روی جمعی میمردند و لکن اجابا همه سالم ماندند آخر با با طرف افتاد و در عکاشه تخفیف یافت  
لهذا جمیع مردم پناه به عکاشه آوردند حالا هم در وقتی که همه از کرای مصر بیارسیس میروند ما نیز حاضر  
سیا ئیم آنچه شده در هر جا باشیم در ظن حال مبارکیم و بنشر نجات نامه مشغول و از بهر محبت مظلوم و مسرور

الی آخر بیانه الاصلی

روز ۲۱ جون در منزل مبارک مسافرن را دسته

دسته حضار میفرمودند و بهر جمعی بیاناتی از عظمت امر الله و مواهب عطا یای جمال اقدس الهی از لسان مبارک جاری و نازل می گشت از انجمله اجتایی که در محضر اظم مشرف بودند جناب آقا میرزا عنایت الله نخل حضرت حاجی احمد آقا میلانی که از قدمای اجتامی جان تثار امر اطمی بودند و آن روز خطاب با جناب آذربایجان میفرمودند که « الحمد لله آمدید و زیارت روضه مبارک که مشرف شدید روی دوی را بر تریب غنیه مقدمه معطر نمودید مثل نیست که بحضور مبارک رسید باشد زیرا جمیع ارواح مقدسین طائف حول آن بقعه نور است و ملا عالین و اهل فردوس بقا ناظر و متوجه بر روضه مبارک و مقام اعلی اکم شده باین مقام فائز شدید حال چون مراجعت نماید اهل وطن بر ادوات کنید و گوئید آیا میدانید از چه موطنی بیدید آیا میدانید چه موطنی در باره شما مبذول گشته آیا می دانید چه تاج افتخاری بر سر شماست و چنین لطافی شامل حال شما حال قدر این عنایات معلوم نیست بعد معلوم و آشکار خواهد شد اگر ایرانیان قدر بدینند از شدت سرور پرور از نمایند ملاحظه نمایند که چون حضرت مسیح ظاهر شد اهل وطن او از ان حضرت بیزاری بختند و عار میدنستند که اظهار نسبت و هموطنی نمایند ولی بعد فهمیدند که چه نعمتی از دست داده اند حال هم ایرانهایند که چه احسانی در باره ایشان مبذول گشته و چه موطنی ظاهر شده اکم شده که شما در یوم جمال مبارک بودید و انوار تیر عظم را مشاهده نمودید شکر کنید خدا را و سعی نمایند تا اهل ایران را بیدار کنید گوئید ای ایرانیان ای ایرانهان بیچ میدانید چه شمس حقیقی از افق خاور درخشید بیچ میدانید چه شجره مبارک که فی از آن سرزمین روئیده و چه بحری متواج گشته بیدار شوید بیدار شوید تا کی غافلید

و بخود مشغول الی آخر بیانہ الاصلی و چون احتیای مازندران نشرفت حاصل نمودند عرض عریض عدیده  
تقدیم نمودند فرمودند او خلی مکاتیب آوردہ اید کار شکل است شما باید بر یک خود کتابی مطلق  
باشید امیدم چنانست کتاب میں گردید امروز ہر نفسی توجہ بملکوت ابھی نماید و قلبش از جمع شوہب  
پاک و مبرا باشد او خود کتاب مطلق است بدون این هیچ چیز نمی نماند ہر چیزی بی اثر و بیست  
کان لم یکن شینا مذکور است چون در پیش کر معلی و در پیش خندان مشرف و بعد در احوال  
نیسہ بافتخار بعضی از احتیای فارس بواسطہ ایشان از قلم طہر صادق دمان و منقر گشتند و ذکر احتیای  
ہند و جان وطن حضرت شیخ سلمان بمرض مبارک رسانیدند لہذا بجر عنایت و احسان نسبت بان  
پیک رحمان بوج آمد و شرمی از ثبوت و صداقت و خلوص و زحمات سفر ایشان فرمودند تا ذکر  
مبارک باین بیان رسبد کہ نفس مبارکی بود و بسیار منزه و مقدس چنانچہ ابرانیان بایمان سلمان  
فارسی در کور اسلام افتخار مینمودند عنقریب الالی الصفحات نیز باسم حضرت شیخ سلمان افتخار نمودند  
آن ایام جمع الراج بخط مبارک صادر و نازل میشد یا مشغول تخریر بودند یا در احیان مشرف نفوس  
اوقات مبارک مصروف تقریر و چون بسیار خستہ میشد سوارہ یا پیادہ قبل از ظهر و غروب  
گردش می فرمودند ہر قدر دوستان و خدام آستان عرض مینمودند کہ شتعال زیاد مضر صحت  
مبارک است میفرمودند مینخواستیم بہ بیم صحت بچہ در کار امر مساعدت بنماید من با احتیای شرق  
و عدد دادہ ام لہذا باید مشغول کار باشم و رسیدگی با سوز نمایم و ہر روز تکرارات تبرکات و  
ہیکل قدس از مجامع شرق و غرب بساعت انور میرسد و تکرارنا دکتبا جواب عنایت میشد و این عبد  
نیز در بشارت ورود مبارک چند منظومہ عرض نمود کہ در آخر کتاب نوشته خواهد آمد۔

روز ۳۳ جون اجارا در منزل مبارک دسته دسته حضار فرمود هر يك  
 رجا و سلتی داشت بعض مبارک میرسانید و مورد عنایتی می گشت از جمله آن روز نطقی بیع در کلام  
 بزبان روح و حالت نقطاع نفوس و دهانی با وجود اشتغال با مورد جهانی فرمودند و بعضی از کلمات  
 مبارک که این بود که در افکار مال و منال و آمال جا به و جلال صرف او نام است خدا محض عمران دنیا  
 این او نام را در سرمانداخته و الا ایتی ندارد (و همچنین میفرمودند که) من خیال مسافر بعض  
 بلاد دیگر داشتم و میخواستم بگردم با پارهای سچی بروم اما محض خاطر شما با بشرق مراجعت نمودم  
 زیرا دوستان شرق بسیار عزیزند روز ۲۴ از تشریف غیار و اجابت کثرت تحریر و اشتغال  
 بیکل اقدس بسیار ضعف و خستگی داشتند میفرمودند در امر و زیباخته شده ام با وجود مشاغل کثیره  
 خود تحریر مشغول شدم و از همه گذشته نمیدانید چه قدر فکر مشغول است این صد مانت که تب  
 من علاج نمیشود بعض کثرت اشتغال افکار این چند روز هوا هم رطوبت داشت باز تب عودت  
 نمود و وقت عصر با حال ضعف چون خواستند برای رفع خستگی بگردن تشریف ببرند چند نفر حال  
 و نسا از و عظمها و بیشترهای خیلی متعصب مسیحی چون خبر ورود مبارک و تشریف نفوس آن هر مذہب  
 و ملی شنید و بودند لذا بدرب منزل مبارک آمده اجازه تشریف خواستند فوراً احضار شدند  
 و مورد شفقت و عنایت بشمار گشتند از مشا به راه رفت و عطوفت عظمی حضرات جبروت جبارت یافته  
 شروع تکذیب مسلمین و اعتراض بر اسلام نمودند بانها فرمودند آنچه را شما در باره اسلام شنیداید  
 هیچ ربطی با اساس اسلام ندارد حتی اکثر آنچه از بعض مسلمین میشنوید یا از تعالیه است یا حکایت از  
 فروع و جزئیات نه بیان حقیقت و تبیین اساس اسلام پس شما رجوع بقرآن نمائید از جمله نصوص

مریخیه قرآن این آیه مبارکه است که می فرماید ان الذین امنوا والذین هادوا و نصاری و الصابین  
 من آمن بالله والیوم الآخر و عمل صالحا فلهم اجرهم عند ربهم ولا خوف علیهم ولا هم یحزنون یعنی از مسلمان  
 و یهود و نصاری و صابین نفوسی که مؤمن بنجد اوجیات ملکوت شوند و دارای عمل نیک باشند  
 اجرائها با خداست و خوف و حزنی بجهت ایشان نیست مگر در قرآن ذکر حقیقت نرات در نخل و  
 بزرگواری و عظمت انبیای الهی مذکور حتی در بار مویج در قرآن اوصافی مسطور که در نخل نظیر آن اوصاف  
 نیست و میفرماید حضرت مسیح در عهد تکلم و اظهار نبوت فرمود پس اگر مقصد شما دلالت مسلمانان است این  
 تجسس حاصل است زیرا انها فوق عقائد شما در بار مسیح معتقدند یکی از انها در نجات و عبس نمود  
 در نخل میفرماید حضرت مسیح ابن الله است و این عظیم اوصافی است که در نخل است در قرآن نیست  
 فرمودند ابن الله بودن در عهد حضرت مسیح و موسی اصطلاحی بود که حتی در باره بنی اسرائیل هم گفته  
 میشد چنانچه در تورات انهارا ابناؤ الله میفرماید و در سفر خروج آخر صحاح چهارم است که خداوند  
 بموسی فرمود که بفرعون بگو بنی اسرائیل فرزند اول زاده منند اگر انها را آزاد نمائی من فرزند اول زاده  
 ترا میگشتم پس در صورتیکه بنی اسرائیل نفس تورات فرزند خدا باشند دیگر ابن الله بودن برای نفرت  
 مسیح چه شأن و فخر است « چون از سطوت بیان و قوت بران مبارک خطاست حتی سکت و بیست  
 و تخرمانند انگاه بکل قدس اسان بصلح گشودند و در مسائل عدیده و بشارت با ظهور عظیم و شرح  
 بعضی از تعالیم بدیهه بیانات مفصله فرمودند چندانکه حضرات بشکر و ثنای موعظه و تعالیم مبارکه برخاستند  
 و با حال خضوع و سجد و خضی گردیدند آن قوت بیان و سطوت خطابتی که و تبدیل حال و اغلابان  
 نفس متعصب آن روز کیفیتی داشت که هر کس میدید شهادت بر کمال قدرت و عظمت عهده و بینه و نفوذ

امر الله میداد و از جمله ضیافت‌های بسیار کمال شب (۲۷ جون) بمحمانی جناب میرزا  
 جعفر شیرازی بانی مسافرخانه جفا بود که طلعت بمیشال چون در زیر آن خیمه جلال جلوس فرمودند و لهای  
 دوستان گردش جمع روی تابان هر یک پروانه بی پروا بود و در عشق جهان همان گل داله و شیدا و بعضی  
 از بیانات مبارک که ابتدای نطق مبارک این بود که در اینجا مجمع بحسنین میگویند و در قرآن ذکر  
 برج بحرین است یعنی جابئیکه حضرت موسی و یوشع شخص بزرگوار بر ملاقات نمودند که میفرماید علمناه  
 من لدنا علما موقعی که ماهی مرده زنده شد و این سنی بدیع دارد الی آخر بیان الاهی و چون شام  
 حاضر شد بدست مبارک پلو و خوشش بهر یک عنایت میفرمودند تا دو دور و جمع چهار منجا دراز  
 هفتاد نفر سر میز شام خوردند پس از شام شیرینی بهم عنایت فرموده شکر مواهب الطاف جمال الهی گفتند  
 فردای آن شب اکثر مسافری را مخلص نمودند اما این مخلصی و دعای آن عاشقان بی تاب توان آنقدر  
 گریستند که دیده چون زگس شهبلائی طلعت نور را گریبان نمودند و از دوری و لبر احسان دائمی پناه  
 و نفعان بودند و اینجالت همیشه و همه جا هنگام دوری از میل مباح برای عشاق دست میداد و  
 در هر سگله و ایستگاه و بیت بازار صین و دعای گریه و ناله ابرار سبب انقلاب حیرت یار و اغیار  
 می‌گشت و در آن اوقات چون خبر ضعف و کسالت مزاج حضرت ابو الفضال رسید دو تبه مرتبه  
 اولی حضرت افغان آقای آقا میرزا حسن دافغوی جناب تبه جلال ابن سینا را از پور سعید بکنند  
 بتفقد حال ایشان فرستادند در آن ایام صبحگاهی چون اینعبده بجز انور حضار و مشرف شد عرضی  
 از بعض نفوس محترمه مهمه اسلامبول در دست مبارک بود و همین بهین پرشارت و بشاشت بعضی  
 از آن عرض ترکی را مکرر میخواندند و از سلاست عبارات و حسن معانی و اشارات و حالت انجذاب



و اخلاص آن نفوس تجیدی نمودند و میفرمودند تا اثرات این سفر نفوس بجرکت و تهر از آورد  
 اگر ملاحظه ارض آسمان نمود فوراً باسلامبول میفرستم و ندا، الله را بلند می نمودم نفوس کثیره و اشخاص جلیله  
 قبایل بامر مبارک میکردند و بعضی معتصمین هم بعد از در میآمدند و تعرض بقیام علی در دفته مبارکه  
 علیا می نمودند نیست که نمی توانم بروم  
 روزه ۲۴ رجب (۲۹ جون) از نزل

سرکار قونسل احمد افندی زیدی بخانه فی که مخصوص اجاره شده بود تشریف بردند و هر روز صبح  
 در آنجا بزم تقابلیت و کاوش فضل و عطا نشد بخش دل و دماغ صفا بود ولی مشغولیت زیاد و مشکل لطفت  
 صغی و گرمی و رطوبت هوا مانع صحت آسایش مبارک ۲۶ رجب اول جولائی ۱۹۱۳ صبح از نزل  
 بیرون تشریف برده تا لب یانزدیک محبته و بسبب گشت نمودند جمعی از اجاب هم حضور انور مشرف بودند  
 و چون بیرون هتل جالس شد و بجهت اجابتی هه خواستند نظر بامواج بحر نموده فرمودند امر الله نه  
 قلزم بیکرانی است که هیچ چیز چوشش و خردش آن را مانع نتواند شد آخر نطق مبارک بمطلب منتی  
 گردید که سبب ذلت هر تنی نخوت و نفاق بوده و بهتر وسیله ترقی آگاهی و اتفاق عظم شمی للتقدم  
 الامم عسلم و الاتفاق و سبب التاخر مفاسد الاخلاق و تعصبات الجاهلیه و نفوس مخزبه فی که از فجاج  
 در آن چند هفته اقامت مبارک در پور تسعید مشرف شدند بعضی از اعیان مصر بودند و مدیر روزنامه  
 و پیه اخبار پنجاب هند و متوالی باشی قدس شریف که حکایت تشریف و خضوع و انقلابشان در محضر مبارک  
 مفصل است و همچنین بعضی از وقایع نگاران جرائد مصر که پس از تشریف مقالات عدیده در مجامع و انجمن  
 مشرق الطاف نوشتند مختصر او اخر ایام مبارک در پور تسعید بسبب طوبت هوا و کثرت مشاغل و فکاک  
 هر روزی کسالت بیکل اقدس بیشتر و تب شدید تر میشد تا روز ۷ شعبان ۱۳۳۱ (۱۱ جولای ۱۹۱۳)